



بورس اوراق بهادار تهران



نخستین همایش ملی  
حاکمیت شرکتی  
در راستای تحقق سند چشم‌انداز

First National Corporate Governance Conference  
Achieving Iran's Development Vision



حاکمیت شرکتی و کیفیت اطلاعات

حسابداری

نویسنده: محمد رضا عباسزاده - مغری کرمدار مزرجی



## حاکمیت شرکتی و کیفیت اطلاعات حسابداری

محمدرضا عباس زاده<sup>۱</sup>، صغری کرمدار مزرچی\*<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین وظایفی که حاکمیت شرکتی می‌تواند بر عهده گیرد، اطمینان‌دهی نسبت به کیفیت فرآیند گزارشگری مالی است. پس از رسوایی‌های مالی تعدادی از شرکت‌های بزرگ و مشهور در سطح دنیا از جمله انرون و ورلد کام در آغاز قرن اخیر که کاهش اعتماد عمومی نسبت به اطلاعات و گزارش‌های مالی منتشر شده توسط شرکت‌ها را به دنبال داشت، نیاز به اطلاعات بیشتر و با کیفیت بالاتر افزایش یافته و منجر به تقاضای بیشتری در خصوص شفافیت بیشتر اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی شرکت‌ها شده است. در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی به یکی از مباحث مورد توجه پژوهش‌های حرفه‌ای و علمی تبدیل شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش‌های مزبور، به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی تأکید بیشتری در زمینه آثار حاکمیت شرکتی بر بهبود فرآیند گزارشگری مالی صورت گیرد. مقاله حاضر، مروری بر برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی است.

**واژگان کلیدی:** کیفیت گزارشگری مالی، تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، سهامداران نهادی،

تمرکز مالکیت، اندازه حسابرس.

استادیار، حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران karamdars@yahoo.com

## مقدمه

حاکمیت شرکتی در ابتدای قرن بیست و یکم، دوباره به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث کسب و کار مطرح شده است (حیدری و حجاریان، ۱۳۸۳). تأکید مبانی اولیه حاکمیت شرکتی، بیش تر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران قرار داشت که بعدها با طرح دیدگاه‌های جدیدتر، به سمت توجه جدی به حقوق کلیه ذینفعان و اجتماع گرایش یافته است (حساس یگانه، ۱۳۸۳).

ورشکستگی اخیر شرکت‌های بزرگ باعث شده است که جامعه به اهمیت شفافیت و پاسخگویی شرکت‌ها پی ببرند. از سوی دیگر، مراجع قانون‌گذار حاکمیت شرکتی را به عنوان ابزاری سودمند برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی افشا شده توسط شرکت‌ها تلقی می‌کنند (نورواتی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، اثر می‌گذارند. افشای اطلاعات مالی شفاف، مشکلات و مسائل نمایندگی را از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران به حداقل می‌رساند. در مقابل، افشای ضعیف اطلاعات مالی اغلب باعث گمراهی سهامداران و در نتیجه تأثیرات نامطلوبی بر ثروت آنان می‌گردد. نتیجه تحقیقات قبلی، حاکی از آن است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نظیر ویژگی‌های هیئت مدیره، ساختارهای مالکیت و کیفیت حسابرسی، رویه‌های افشای اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارامانو و وافی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی به یکی از مباحث مورد توجه پژوهش‌های حرفه‌ای و علمی تبدیل شده است. با توجه به به نتایج به دست آمده از پژوهش‌های مزبور، به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی تأکید بیش تری در زمینه بهبود آثار حاکمیت شرکتی بر بهبود فرآیند گزارشگری مالی صورت گیرد. مقاله حاضر، مروری بر برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی است.

## پیشینه پژوهش

گیلانی‌نیا و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری را مورد بررسی قرار دادند نتایج تحقیق بیانگر این بود که بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه گذاری بیش از اندازه رابطه‌ای وجود ندارد و با وجود اینکه رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه گذاری کم وجود دارد اما ضریب تعیین رابطه ناچیز است.

کاظمی و محمدنژاد (۱۳۹۰) نقش سهامداران نهادی در عملکرد شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند نتایج تحقیق رابطه منفی و معنادار بین مالکیت سهامداران نهادی و عدم تقارن اطلاعاتی را نشان داد.



حسین و همکاران (۲۰۱۰) رابطه‌ی بین اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی و کیفیت راهبری شرکتی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که بین کیفیت راهبری شرکتی و اندازه‌ی موسسه حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معنی داری وجود دارد و این ارتباط به وسیله‌ی میزان حمایت قانونی از سهامداران اقلیت در سطح کشور تقویت می‌شود.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نقش فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که سه عامل فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها اثر گذارند.

اسماعیل زاده مقری و همکاران (۱۳۸۹) نقش حاکمیت شرکتی (درصد مالکیت سهامداران نهادی، تعداد بلوک سهامداران عمده، درصد مدیران غیرموظف در هیئت مدیره، عدم وجود مدیرعامل به عنوان رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره و اندازه حسابرسی مستقل را در کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافتند که رابطه معنادار مثبتی بین درصد مالکیت سهامداران نهادی، تعداد بلوک سهامداران عمده، درصد مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس هیئت مدیره و اندازه حسابرسی شرکت و کیفیت سود وجود دارد.

### حاکمیت شرکتی

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده‌ی مالکان (سهامداران)، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه‌ی نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد؛ بدان معنا که ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت طلبانه بزنند و تصمیماتی بگیرند که در جهت منافع آن‌ها و عکس منافع سهامداران باشد. نیاز به حاکمیت شرکتی از تضاد منافع بالقوه بین افراد حاضر در ساختار شرکت ناشی می‌شود (کیم، ۱۹۹۳).

حاکمیت شرکتی در ابتدای قرن بیست و یکم، دوباره به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث کسب و کار مطرح شده است (حیدری و حجاریان، ۱۳۸۳).

تأکید مبانی اولیه حاکمیت شرکتی، بیشتر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران قرار داشت که بعدها با طرح دیدگاه‌های جدیدتر، به سمت توجه جدی به حقوق کلیه ذینفعان و اجتماع گرایش یافته است (حساس یگانه، ۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین وظایفی که حاکمیت شرکتی می‌تواند بر عهده گیرد، اطمینان‌دهی نسبت به کیفیت فرآیند گزارش‌گری مالی است. کمیته بلوریون (۱۹۹۹) در گزارش خود از حسابرسان مستقل خواسته است تا علاوه بر

بررسی قابل قبول بودن رویه‌های استفاده شده در گزارش‌گری مالی، در مورد کیفیت آن‌ها نیز با کمیته حسابرسی شرکت‌های گزارش‌گر مذاکره کنند.

از دیدگاه گزارش‌گری مالی، نتیجه مطلوب حاکمیت شرکتی فراهم آوردن اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا برای گروه‌های استفاده کننده از صورت‌های مالی می‌باشد. زیرا اولاً، حاکمیت شرکتی مدیریت سود را محدود می‌سازد و ثانیاً، موجب افزایش حجم افشای اطلاعات شرکت می‌شود که این مسئله خود منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران و نهایتاً محدود ساختن فرصت‌های مدیریت سود می‌شود. این موارد می‌تواند بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به عنوان شاخص کیفیت این اطلاعات اثرگذار باشد (حبیب و عظیم، ۲۰۰۸).

### کیفیت گزارشگری مالی

اصطلاح افشاء در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. حسابداران از این عبارت به صورت محدودی استفاده می‌کنند و منظور آن انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی (معمولاً در قالب گزارش‌های سالانه) است (هندریکسون و وان بردا، ۱۹۹۲). با تمرکز بر استفاده کننده، اطلاعات با کیفیت را می‌توان به عنوان تحقق نیازهای استفاده کننده با توجه به درک استفاده کننده معقول و خارجی تعریف نمود. کیفیت اطلاعات حسابداری در صورتی افزایش می‌یابد که حذف روش‌های مختلف و نیز افزایش گستره‌ای که اندازه‌های حسابداری، وضعیت اقتصادی را منعکس می‌سازد، اختیار مدیریت را برای گزارش سوگیرانه مقادیر حسابداری محدود می‌سازد (بال و همکاران، ۲۰۰۳).

کیفیت گزارشگری مالی به محدودهای اشاره دارد که در آن، گزارش‌های مالی شرکت، وضعیت اقتصادی و عملکرد آن را در طی یک دوره زمانی اندازه‌گیری و به صورت صادقانه ارائه می‌کند (خواجه‌وی و همکاران: ۱۳۹۱).

تأثیر ساختارهای بهینه‌ی حاکمیت شرکتی بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی و سود حسابداری، موضوعی است که در سال‌های اخیر در تدوین قوانین (نظیر قانون سربینز آکسلی) و شرایط پذیرش بورس‌های بزرگ دنیا (مانند بورس نیویورک) نیز مورد توجه قرار گرفته است (مشایخی و محمدآبادی، ۱۳۸۹). در واقع بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت اطلاعات حسابداری یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. در ایران نیز در سال‌های اخیر تدوین آیین‌نامه نظام راهبری با هدف بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری مورد توجه خاص قرار گرفته است.

از این رو برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی که در بهبود محیط گزارشگری مالی تأثیر گذار است مورد بحث

و بررسی قرار می‌گیرد.



### سهامداران نهادی

یکی از سازوکارهای تأثیرگذار بر حاکمیت شرکتی که اهمیت زیادی دارد، حضور سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان مالکان شرکت‌هاست.

مطابق تعریف بوش (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند.

سهامداران نهادی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین اجزای بازار سرمایه بیشتر کشورهای جهان تبدیل شده‌اند، به طوری که حجم بزرگی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را این نهادها صورت داده‌اند. در حقیقت، سرمایه‌گذاران نهادی منابعی برای نفوذ و نظارت بر شرکت و مدیران دارند و یکی از روش‌های حل مشکل نمایندگی این است که از طریق مالکیت نهادی، رابطه بین مدیران شرکت و ذی‌نفعان به هم نزدیک شود (کیم، ۱۹۹۳: ۷۴۸). یک نقش سهامداران نهادی بزرگ فراهم نمودن مکانیسمی معتبر برای انتقال اطلاعات به بازارهای مالی یا به عبارت دیگر سایر سهامداران می‌باشد (ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۶).

سهامداران نهادی بزرگ می‌توانند اطلاعات محرمانه‌های را که از مدیران شرکت کسب می‌کنند به سایر سهامداران منتقل نمایند. اما برای اینکه چنین نظارتی قابل قبول باشد لازم است سهامداران بزرگ، سرمایه‌گذاری خود را برای مدت زمان نسبتاً طولانی حفظ نموده و سهام کافی برای تعدیل مشکل استفاده مجانی دیگر سهامداران از این نظارت را داشته باشند (چیدمبران و جان، ۲۰۰۰).

هر میزان سطح مالکیت نهادی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، عدم تقارن اطلاعات بین مدیران شرکت‌ها و سایر اشخاص ذینفع کاهش می‌یابد (جیانگ و کیم، ۲۰۰۰).

از آنجا که عدم تقارن اطلاعاتی کم به معنی دسترسی تمام افراد به اطلاعات عمومی موجود است می‌توان گفت سطح مالکیت نهادی رابطه مستقیم با کیفیت اطلاعات حسابداری دارد.

### تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده‌ی محدودی قرار دارد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین ویژگی بازار سرمایه نوپا، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وجود سرمایه‌گذاران عمده و تملک بخش اعظمی از حقوق مالکانه شرکت‌ها توسط آنان است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. حضور

سرمایه گذاران عمده، از جمله سازمان‌های بزرگ دولتی، موسسات مالی در بازار سرمایه این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا ساختار مالکیت می‌تواند در جهت ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا که موجب کارآتر شدن بازار و تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و در نتیجه تخصیص بهتر سرمایه به صنایع با ارزش افزوده بالاتر می‌شود، موثر باشد (حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹).

روئه (۱۹۹۰) معتقد است که در ترکیب مالکیت گسترده، هیچ یک از سهامداران کوچک انگیزه‌ای برای نظارت ندارند زیرا در این صورت، هر شخص که بخواهد بر عملکرد شرکت نظارت کند، باید هزینه‌های مرتبط با آن را بپردازد و این در حالی است که بقیه‌ی سهامداران نیز از منافع آن استفاده می‌کنند (ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۶). کوهن (۲۰۰۴) نشان داد شرکت‌هایی که مالکیت آن‌ها به صورت پراکنده است، به احتمال زیاد اطلاعات مالی با کیفیت فراهم می‌کنند (کوهن، ۲۰۰۴).

### اندازه‌ی حسابرس

طبق تعریف دی آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی، افزایش توانایی حسابرسی در کشف تحریف‌های حسابداری و ارزیابی توانایی و استقلال حسابرس توسط بازار است. در حالی که مراجع تنظیم قوانین و مقررات حسابداری اذعان دارند کوچکی یا بزرگی موسسات حسابرسی تأثیری بر کیفیت کار حسابرسی ندارد، اما بسیاری معتقدند موسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی خود را با کیفیت بیشتری نسبت به موسسات حسابرسی کوچک انجام می‌دهند. مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، اندازه‌ی حسابرس است. حسابرسان با حسن شهرت بالاتر، حسابرسی اثربخش‌تری را ارائه نموده و همین امر به افزایش ویژگی‌های کیفی اطلاعات منجر می‌شود (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹).

### تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت، نهاد هدایت‌کننده‌ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منابع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد. معمولاً بیان می‌شود که موفقیت شرکت، در گروی هدایت مطلوب آن است. در گزارش کدبری توصیه شده که بین اعضای هیئت مدیره، توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ کس قادر به کنترل «بی‌قید و شرط» فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. در شرکت‌های دارای سازوکارهای مطلوب حاکمیت شرکتی از قبیل تفکیک وظایف و یا ترکیب بهینه‌ای از مدیران موظف و غیرموظف (غیر اجرایی)، احتمالاً نظارت موثرتری بر مدیریت صورت می‌گیرد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) و مستقل در هیئت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می‌کند (شعری و مرفوع، ۱۳۸۷).



لذا می‌توان نتیجه گرفت که با سازوکارهای حاکمیتی خاص مانند حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره‌ی شرکت، نظارت بر کیفیت اطلاعات افشا شده توسط مدیران بیشتر شده و انگیزه مدیریت افزایش می‌یابد (همان).

### عدم وجود مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره

اگر مدیر عامل رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد، به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیر عامل گفته می‌شود و در این حالت مدیر عامل اختیارات بیشتری دارد. عدم تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره می‌تواند منجر به کاهش اثربخشی نقش نظارتی هیئت مدیره شده و زمینه سازی تضييع حقوق ذینفعان را در پی داشته باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده، تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره موجب استقلال بیشتر هیئت مدیره و در نتیجه کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. (اسماعیل زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹)

### نتیجه گیری

همان‌طور که گفته شد با جدا شدن مالکیت از مدیریت در شرکت‌های سهامی، مدیران به عنوان نماینده سهامداران شرکت را اداره می‌کنند. با گذشت زمان این رابطه‌ی نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را به وجود آورده که به آن مشکل نمایندگی گفته می‌شود. یعنی مدیران می‌توانند تصمیماتی اتخاذ نمایند که در جهت منافع خودشان و عکس منافع سهامداران باشد. برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت مدیران در زمینه‌ی افشاء و شفافیت مناسب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی در مقابل عموم و افراد ذینفع، باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید که این عمل مستلزم وجود سازوکارهای مناسب است. از جمله این سازوکارها طراحی و اجرای حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها و بنگاه‌ها است. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم وجود مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره، سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت، اندازه حسابرس تعیین می‌کنند که شرکت‌ها چگونه و توسط چه کسانی اداره شده و روند مناسب پاسخگویی و انتشار مناسب اطلاعات شرکت به ذینفعان چگونه باید باشد. لذا حاکمیت شرکتی موجب می‌شود اطلاعات منتشر شده به وسیله‌ی مدیران از کیفیت بالاتری برخوردار باشند. از این رو به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی تأکید بیشتری در زمینه آثار حاکمیت شرکتی بر بهبود فرآیند گزارشگری مالی صورت گیرد. البته شرایط حاکم بر ساختار سازمانی شرکت‌ها در ایران موجب شده تا وجود صوری اعضای غیر موظف هیئت مدیره، اثر آن بر کیفیت اطلاعات حسابداری خنثی نماید ولی سایر متغیرهای ذکر شده در ایران قابل اعمال می‌باشند.



## منابع

- ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۸۶). نظام راهبری شرکت و نقش سهامداران نهادی در آن. دانش و پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره ۸.
- اسماعیل زاده مقری، علی، جلیلی، محمد و زند عباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران. مجله‌ی حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره هفتم، صص ۷۹ تا ۹۱.
- اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل و دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۸۸). تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۵۹ تا ۸۵.
- حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۵ تا ۹۸.
- حساس یگانه، یحیی و شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، صص ۷۷ تا ۹۴.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۳). مفهوم حاکمیت شرکتی و نقش آن در گزارشگری مالی. مقاله ارائه شده در سمینار گزارشگری مالی و تحولات پیش روی، تهران.
- حیدری، احمد و حجاریان، سعید. (۱۳۸۳). راهکارهای پیاده سازی اصول حاکمیت شرکتی در ایران. مقاله ارائه شده در سمینار بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران، تهران.
- خواجهوی، شکراله، بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های در مانده و غیردر مانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال اول، شماره ۳، صص ۵۱ تا ۶۲.
- شعری، صابر و مرفوع، محمد. (۱۳۸۷). رابطه درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره و سرمایه گذاران نهادی با پیش بینی سود شرکت ها. فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۷، صص ۶۳ تا ۱۰۴.
- کاظمی، حسین، محمدنژاد، عاطفه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد مالی شرکت ها. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۲۸-۱۱۰.
- مشایخی، بیتا و محمدآبادی، مهدی. (۱۳۹۰). رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۸)، صص ۳۲-۱۷.
- Ball, R., Robin, A., Wu, J.S. (2003). Incentives versus standards: properties of accounting income in four east asian countries. *Journal of Accounting and Economics*, pp 235-270.
- Bushee, B. J. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment



behavior. *Accounting Review*, 73 (July): 305-334

Chidembaran, n. & john, k. (2003). institutional investors, corporate governance: global perspective, ownership and governance of enterprises: recent innovative developments. laixiang sun, macmillan.

Cohen, a. d., (2004). financial reporting quality choice: determinants and consequences. a dissertation, northwestern university.

Gilaninia , shahram. , goudarzvand chegini , mehrdad & mohammad mohtasham, esmaeil. (2012). financial reporting quality and investment efficiency of iran. *interdisciplinary journal of contemporary research in business*, vol 4 , no 7.

Habib, a., & azim, I., (2008). corporate governance and the value relevance of accounting information. *accounting research journal*, vol.21 , no. 2 , pp.167-194.

Hendriksen, E.s & van breda, m.f. (1992). *accounting theory*, 5 th edition. united states of America : IRWIN.Inc.

Hossain,M., Lim,C & P.Tan.(2010). Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor Choice in Emerging Markets. *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies* , Vol.13, No.1, pp91-126.

Jiang, l., & j.b.kim.(2000). cross-corporate ownership, information asymmetry and monitors:is there a tradeoff between liquidity and control?. *journal of finance*, 53, 65, 98.

Karamanou, Irene and Vafeas, Nikos. (2005).The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, pp. 453-486.

Kim, O. (1993). Disagreements among shareholders Over a Firm's Disclosure Policy. *Journal Finance*, Vol. 20, PP. 747 – 760.

Nurwati A. Ahmad-Zaluki, Wan Nordin Wan-Hussin, (2010). Corporate governance and earnings forecasts accuracy. *Asian Review of Accounting*, Vol. 18 Iss: 1, pp.50 – 67